

untergehen روز لغت Wort des Tages

untergehen یک فعل جدا شدنی می باشد

فرو رفتن ، پایین رفتن ، غرق شدن ، غروب کردن ، افول کردن ، سقوط کردن ، نابود شدن ، منهدم شدن ، ناپدید شدن ، محو شدن ، گم شدن

gingen unter : گذشته ساده

sind untergegangen : گذشته کامل

مثال :

.Hast du schon gehört? Im Atlantik ist ein Schiff untergegangen

شنیدی در اقیانوس اطلس یک کشتی غرق شده است؟

Die Sonne ist untergegangen

خورشید غروب کرده است.

Das Schiff ging unter

آن کشتی غرق شد

Die Sonne wird in zwei Stunden untergehen

خورشید تا دو ساعت آینده غروب میکند.

خورشید در دو ساعت آینده غروب میکند.

Als die Titanic einen Eisberg rammte, ging sie unter

وقتی کشتی تایتانیک به یک کوه یخ کوبیده شد ، غرق شد.

Du gehst unter, wenn Du betrunken in den See springst

غرق می شی ، اگر مست ببری توی دریا

فعل untergehen بیشتر با اسامی زیر مورد استفاده قرار میگیرد :

Das Schiff

کشتی

مثلا : یک کشتی دارد غرق می شود.

Ein Schiff geht unter

Die Fahne

پرچم ، بیرق

مثلا : یک پرچم دارد به پایین کشیده می شود.

Eine Fahne geht unter

Die Sonne

خورشید

مثلا : خورشید دارد غروب میکند

Die Sonne geht unter

Das Abendland

مغرب زمین ، اروپا ، نیمه ی غربی جهان
مثلا : غرب دارد نابود می شود.

Das Abendland geht unter

Das Morgenland

مشرق زمین ، آسیا ، نیمه ی شرقی جهان
مثلا : آسیا دارد نابود می شود.

Das Morgenland geht unter

ما می توانیم از فعل untergehen یک اسم نیز بسازیم :

Der Untergang

نابودی ، انهدام ، فروپاشی ، افول یک ستاره ، پایین رفتن خورشید
مثال :

Der Untergang des Ölfrachters

غرق شدن کشتی نفت کش

نابودی کشتی نفت کش

Der Untergang einer Kultur

نابودی یک فرهنگ

انهدام یک فرهنگ

der Untergang eines Volkes

نابودی یک قوم

فروپاشی یک قبیله

فروپاشی یک جامعه

Der Alkohol war sein Untergang

مشروبات الکلی سبب نابودی اون بود

موفق باشید. ?

? Viel Erfolg